



معمارنت - مضمون اصلی نمایشگاه اخیر شما در گالری ویستا در آبان ماه گذشته تغییر و تحول شهر تهران بود. در این نمایشگاه بخشی از منظره‌های شهری اواخر دهه شصت خودتان را در کنار نقاشی‌های جدیدی گذاشتید که کلان‌شهر تهران را نمایش می‌دهد. از یک طرف آن کوچه‌باغ‌های قدیمی و ساختمان‌های آجری و شیروانی‌های حلی‌ محله‌های قدیمی شمیران، و از طرف دیگر این بزرگراه‌های پیچاپیچ و پل‌های دوطبقه و برج‌های سر به فلک کشیده و مساجد و امامزاده‌ها و پارک‌های شهری. منظور و هدف شما از این هم‌جواری چه بود؟

ث.ا- کنار هم گذاشتن کارهای این دو دوره برای نشان دادن و تأکید بر سرعت تغییراتی بود که دارد در تهران اتفاق می‌افتد. البته نو شدن و امروزی شدن در همه شهرهای دنیا اتفاق می‌افتد و شهرهای بزرگ روبه‌روز به هم بیشتر شبیه می‌شوند اما شکی نیست که زیباترین، جالب‌ترین، و دیدنی‌ترین شهرها، شهرهایی هستند که در ضمن نو شدن، هویت تاریخی خاص خودشان را هم با عشق و احترام نمایش می‌دهند. در چنین شهرهایی نه فقط برای ساختمان‌های تاریخی بلکه کنار محله‌ها و ساختمان‌های معمولی تاریخ و داستان اتفاقات مهم یا سکونت موقت و زندگی شخصیت‌های مهم ادبی و اجتماعی ثبت و ارائه می‌شود. از نظر من هم مثل بسیاری از هنرمندان تجسمی دیگر، بافت محله‌ها و ساختمان‌های قدیمی باقی‌مانده از دهه‌ها و بلکه سده‌های گذشته در یک شهر بسیار تماشایی‌تر از پاساژها و فروشگاه‌ها و مال‌های سوپر مدرن کنونی است. به نظر من این مظاهر مدرن شهری پل‌ها و بزرگراه‌ها و فروشگاه‌هایی که فقط برای فروش اجناس لوکس و زائد ساخته می‌شوند و هرروز مثل قارچ در همه محلات سردر می‌آورند چهره واقعی تهران را به کلی نابود کرده‌اند و دور نیست زمانی که دیگر همه در این شهر احساس بیگانگی و گم‌شدگی کنیم. در این نمایشگاه می‌خواستم آن منظره‌های آشنا و نوستالژیک را دوباره زنده کنم. احساس نوستالژی از این جهت خوب است که آدم‌ها را با گذشته پیوند می‌دهد.

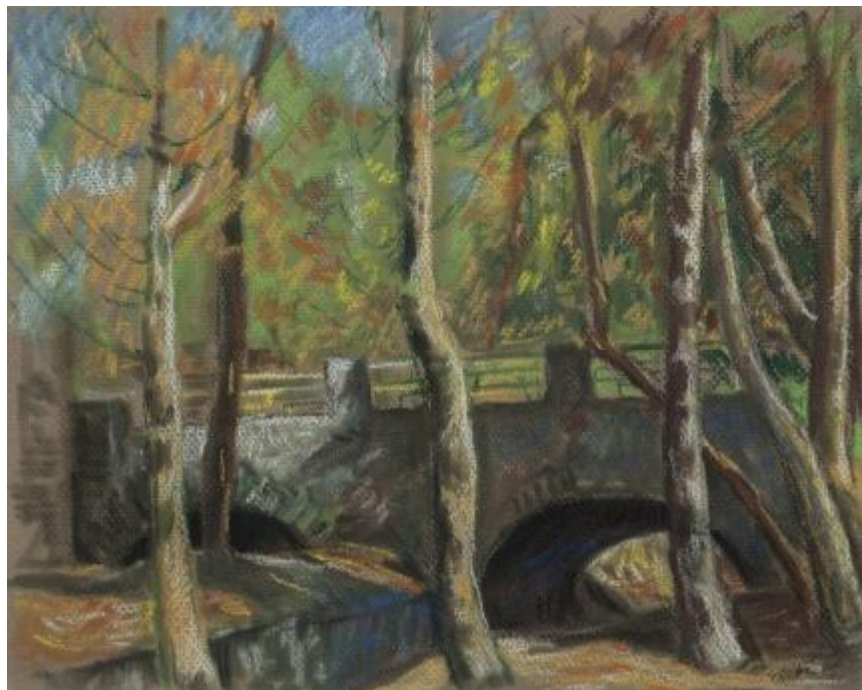
معمارنت - شما در نوشته آغاز نمایشگاهتان از شکسپیر گفته‌ای نقل کرده‌اید با این مضمون که «شهر چیست جز مردم؟» به نظر شما رابطه بین شهر و مردم چیست؛ آیا این یک رابطه دوطرفه است؟

ث.ا- بله. به نظر من همان قدر که شهر توسط ساکنین و مسئولین شهری ساخته و پرداخته می‌شود همان قدر هم روی رفتار و زندگی و شخصیت فرد فرد ما تأثیر می‌گذارد. هر چیز که روی فرد و جامعه تأثیر بگذارد به‌طور قطع روی هنر هم تأثیر دارد. نه تنها در ایران، هنر امروز جهان نیز در بسیاری موارد متأثر از زندگی شهری است و به همان نسبت هم می‌تواند در آن تأثیر بگذارد. به نظر من امروز بخش مهمی از روابط اجتماعی ما، یعنی رابطه با افراد جامعه و دولت به‌نوعی در رابطه ما با شهر متجلی می‌شود. حقوق و وظایف، تعهد و مسئولیت‌پذیری، همکاری اصلاح‌طلبانه یا اعتراض مخرب از سوی شهروندان و بسیاری مسائل ملموس و درعین‌حال پیچیده زندگی شهری معاصر می‌تواند به شکل‌های مختلف در هنر امروز مطرح شود و هنر را از روایت‌های محدود و مبتدل فردی به ساحت زندگی جمعی و فضای عمومی بکشاند. کمترین بازتاب زندگی در

کلان‌شهری مانند تهران، یک نوع احساس بی‌پناهی و ناامنی و اضطراب است که آثار آن را به‌وفور در اشکال مختلف هنری امروز می‌شود دید. بعد هم از جهاتی موضوع شهر الان جای موضوع منظره را در نقاشی گرفته است چون نقاش امروزی هر چه بیشتر ارتباطش را با طبیعت از دست می‌دهد بیشتر با شهر و مسائلی وابستگی و درگیری پیدا می‌کند.

معمارنت - به نظر شما چرا مسائل اجتماعی مثل همین زندگی شهری یا از آن مهم‌تر رویدادهایی مانند انقلاب و جنگ در آثار هنرمندان مستقل بازتاب درخوری نداشته است؟

ث.ا- در این مورد، اول باید بگویم این‌طور نیست که مسائل اجتماعی در کارهای هنری تأثیر یا بازتاب نداشته. هم در سال‌های پیش از انقلاب و هم بعد از آن هنرمندان بسیاری با این موضوعات کار کرده‌اند. هنوز هم مسائل اجتماعی در کارهای نسل جوان هنرمند مطرح می‌شود اما دو عامل باعث می‌شود این آثار به بازتاب پیدا نکنند و یا آن چنانکه درخور این موضوعات و آثار هست دیده یا فهمیده نشوند. یکی اینکه در اوضاع و احوال کنونی، هنرهایی موردعلاقه رسانه‌ها و گالری‌ها و مجموعه‌داران هستند که قابل خرید و فروش باشند. بنابراین آثار اجتماعی دهه‌های گذشته که بیشتر قابل فهم و پسند مردم بودند در حیطه بازار هنر امروز قرار نمی‌گیرند و گالری‌ها و رسانه‌ها کمتر علاقه‌ای به نمایش و ارائه آن‌ها دارند. از طرف دیگر آثار اجتماعی و سیاسی اخیر که در اشکال جدید ویدئویی و چندمانی و مفهومی ارائه می‌شوند به خاطر پیچیدگی زبان و ناآشنایی با مخاطب غیرحرفه‌ای کمتر مورد استقبال مردم و حتی بسیاری از روشنفکران و اهل هنر قرار می‌گیرند. گالری‌ها یا نشریات امروز به هنرهایی می‌پردازند که یا پرفروش باشند و یا مسائل موردعلاقه مردم و مخصوصاً نسل جوان را بیان کنند. به این ترتیب کسانی که دست‌به‌کارهای معنادار اجتماعی می‌زنند یا از پیش می‌دانند که کارشان بازتابی درخور را ندارد و یا این حساب را می‌کنند که چه نوع کار اجتماعی و سیاسی می‌تواند راه به بازار یا محافل و نشریات هنری داخل و خارج باز کند. ندیده نباید گرفت که مخاطب هنری امروز هم در همه رشته‌های هنری بیشتر در پی سرگرمی و خوشی و زیبایی است تا تفکر و احساس و آموزش‌های اجتماعی. چنین مخاطبی اغلب نه تنها از نظر مالی هنرمند اجتماعی را پشتیبانی نمی‌کند بلکه حتی به دیدن کارش هم نمی‌رود. این یک رابطه دوسره است که البته ضعیف شدن آن هم به ضرر هنرمند و هم به ضرر مردم است.





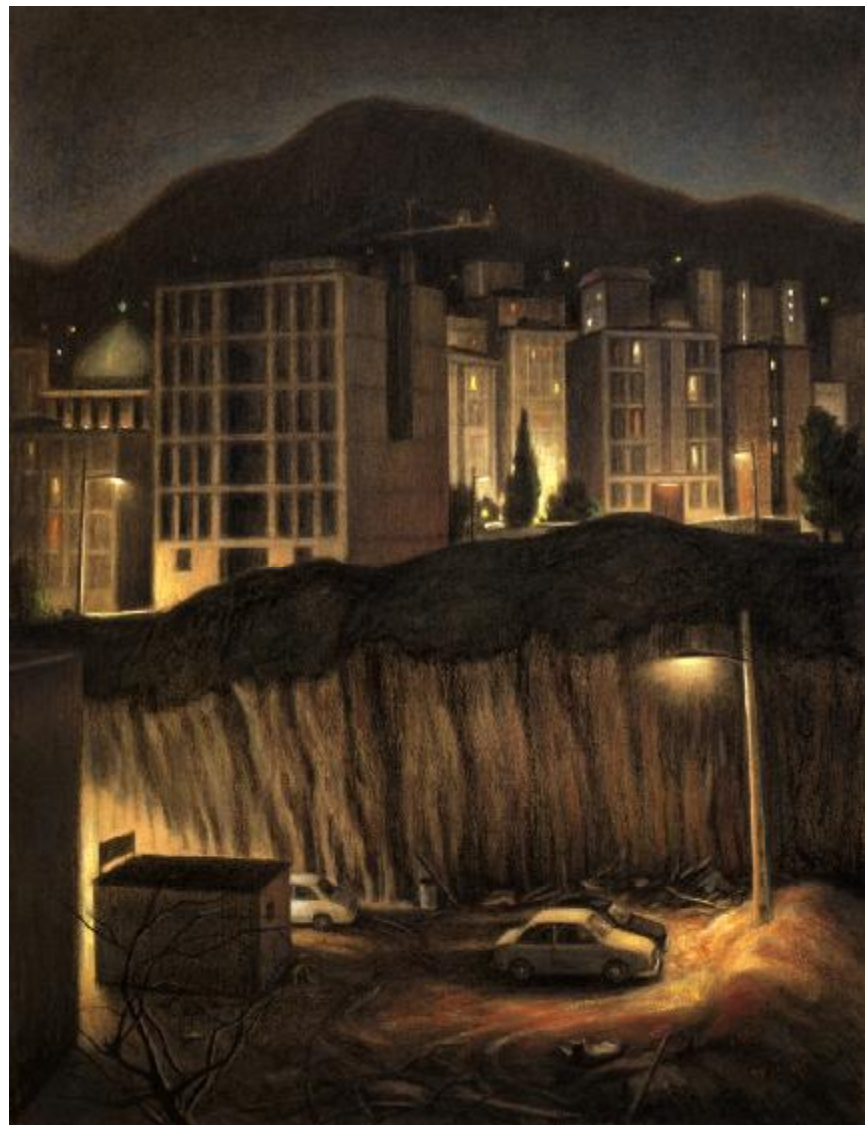
5-27×33 -1367



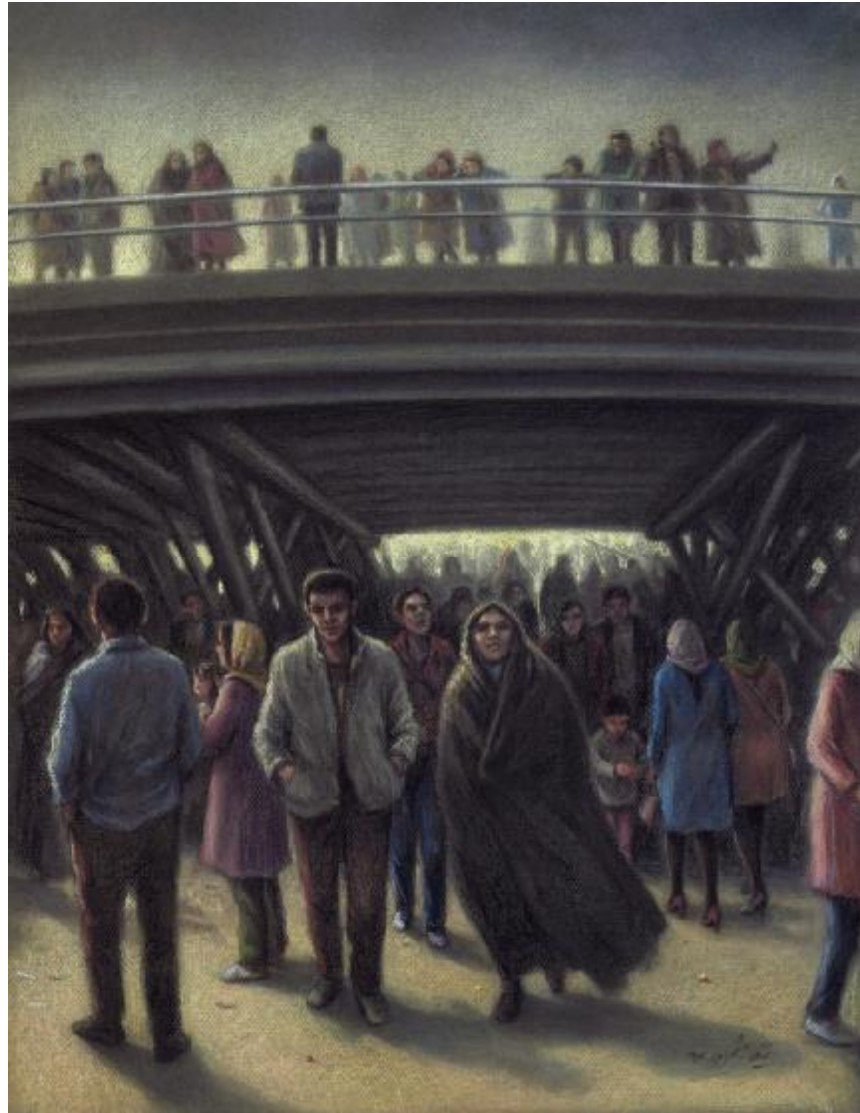
1-27×33 -1364



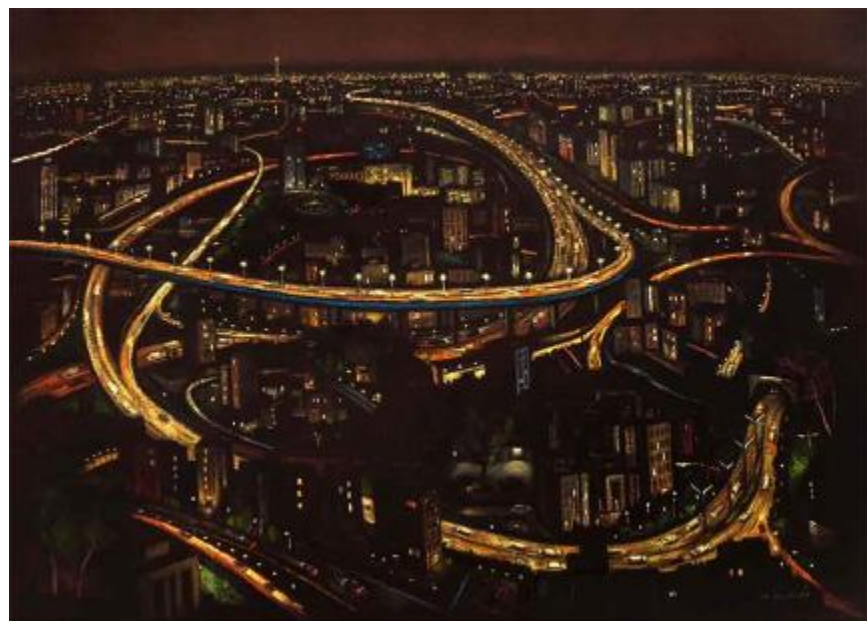
18-65x80 -1394



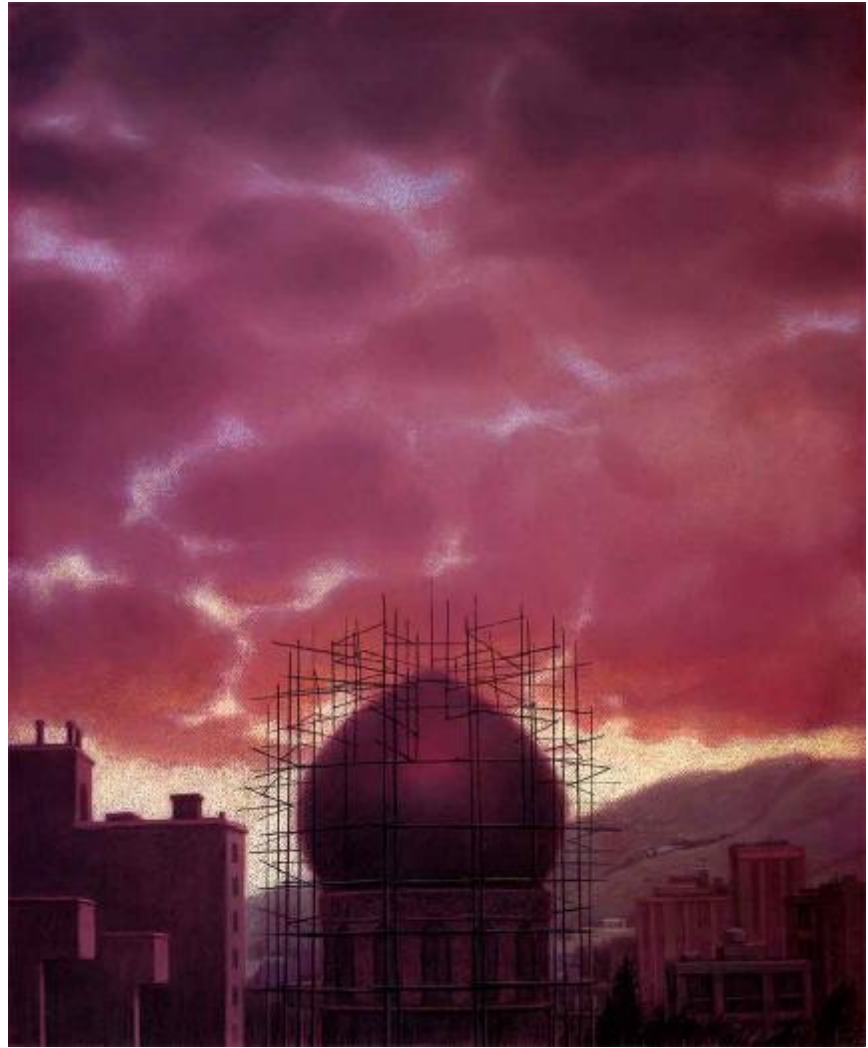
23-50x65 -1394



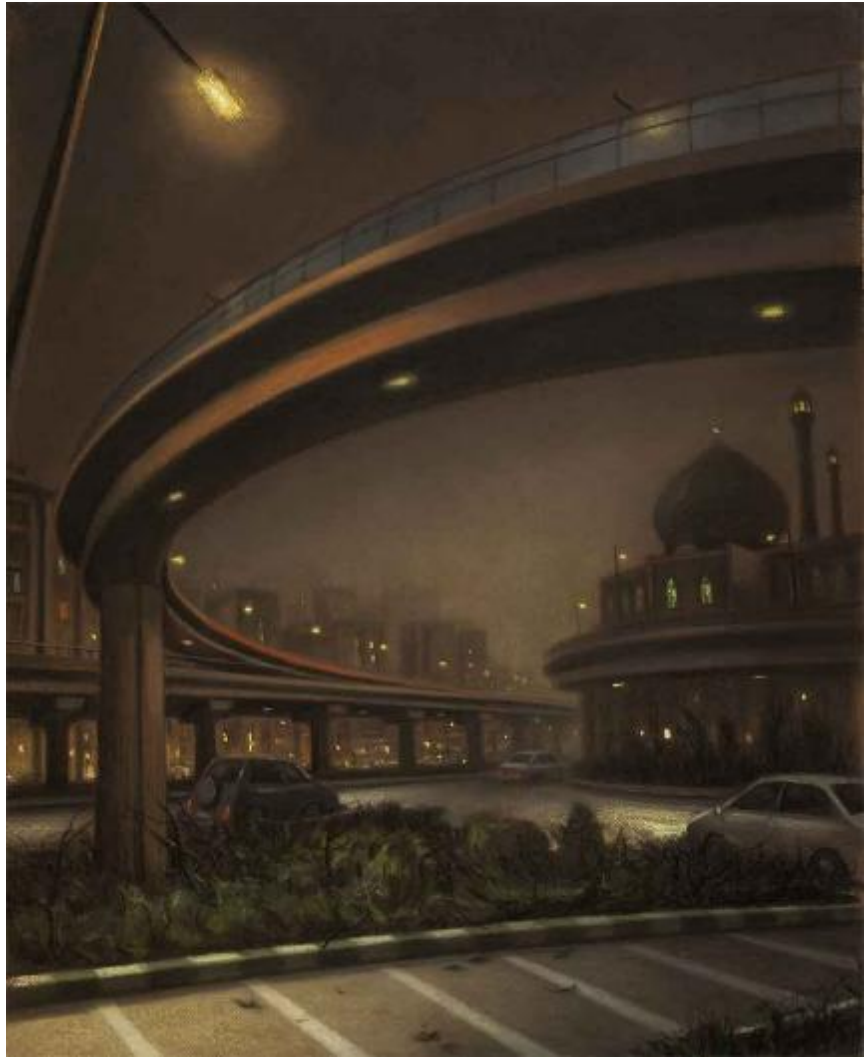
25-42x57 -1394



شهر و مردم



نمایشگاه



نمایشگاه

ثمیلا امیرابراهیمی

1329- تولد در تهران

- 1351- لیسانس حقوق: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
1352- حکاکی و چاپ دستی: "مدرسه عالی طراحی برای هنر و صنعت"، پاریس.
1357- لیسانس هنرهای زیبا: "دانشکده هنرها و صنایع دستی کالیفرنیا"، اوکلند

نمایشگاه‌های انفرادی:

- 1350- خانه آفتاب: (نقاشی رنگ و روغن)
1352- تالار قندریز: "چهره‌ها" (طراحی، گواش، چاپ دستی)
1353- گالری سولیوان: (رنگ و روغن)
1354- تالار نقش: "قیام" (رنگ و روغن)
1364- نمایشگاه خصوصی: (رنگ و روغن، آبرنگ و چاپ دستی)
1365- نمایشگاه خصوصی: (رنگ و روغن، آبرنگ و چاپ دستی)
1367- نمایشگاه خصوصی: (رنگ و روغن، آبرنگ و چاپ دستی)
1368- نگارخانه گلستان: "درختان ایستاده می‌میرند" (پاستل، چاپ دستی)
1369- نگارخانه سبز: "کار و زندگی" (رنگ و روغن و مواد مختلف)
1370- نگارخانه سپهری: "طبیعت بیجان و فضای داخل" (رنگ و روغن)
1371- نگارخانه سبز: "صورت‌ها و صورتک‌ها" (پاپیه ماشه و نقاشی)
1371- نگارخانه کلاسیک اصفهان: (رنگ و روغن، پاستل، چاپ دستی)
1372- نگارخانه سبز: (مروری بر بیست سال حکاکی و چاپ دستی)
1372- نگارخانه افرند: (مجسمه‌های چوبی - چاپ دستی)
1373- نگارخانه بامداد: (آبرنگ)
1373- نگارخانه آریا: "زمین سوخته" (رنگ و روغن و مواد مختلف)
1373- خانه فرهنگ ایران: (کلن - آلمان) (نقاشی، چاپ دستی)
1375- نگارخانه آریا: "شهر در شب" (رنگ و روغن)
1376- نگارخانه آریا: "طبیعت و شهر" (رنگ و روغن)
1376- نمایشگاه خصوصی: (رنگ و روغن، آبرنگ، پاستل)
1377- نگارخانه آریا: "شب‌ها و سایه‌ها" (رنگ و روغن، آکرلیک)
1379- نگارخانه آریا: "به شاعر" (کلاژ عکس و نقاشی)
1380- نگارخانه آریا: "هزار تو" (کلاژ عکس و نقاشی)
1381- نمایشگاه خصوصی: (نقاشی، چاپ دستی و مجسمه)
1383- نگارخانه هنرمندان ایران: "چرخه‌ها" (کلاژ و چاپ دستی)
1385- نگارخانه گلستان: "کوچک زیباست" (رنگ و روغن)
1387- نگارخانه دی: "چاپ نقاشی" (چاپ‌های دستی رنگ‌آمیزی شده)
1388- نگارخانه گلستان: (طراحی و آبرنگ)
1389- نگارخانه ماه: "شب‌ها، شهرها، سایه‌ها" (رنگ و روغن)

- گزیده‌ای از پنجاه‌وهشت نمایشگاه گروهی (1358 تا 1390)
- 1358- موزه هنرهای معاصر تهران: (نقاشی)
- 1376- نگارخانه برگ: "نمایشگاه طرح اساتید"
- 1376- موزه هنرهای معاصر تهران: چهارمین دوسالانه نقاشی
- 1378- نگارخانه آریا: "نمایشگاه چاپ دستی" (کالکوگرافی)
- 1378- موزه هنرهای معاصر: "اولین نمایشگاه بین‌المللی طراحی تهران"
- 1379- آرت اکسپو 2000، نیویورک (نقاشی)
- 1379- گالری اتریوم - واشنگتن: "قلموی خاموش" (نقاشی)
- 1381- گالری دان ملونی: لس آنجلس، "از درون مه" (نقاشی)
- 1382- آماک: شامالیر، فرانسه: "ششمین سه سالانه جهانی آثار چاپی قطع کوچک" (کالکوگرافی)
- 1384- کرمونا، ایتالیا: "هنر و ماشین چاپ - چهارمین نمایشگاه بین‌المللی حکاکی قطع کوچک" (کالکوگرافی)
- 1385- آماک: شامالیر، فرانسه: "هفتمین سه سالانه جهانی آثار چاپی کوچک"
- 1386- بیستویا - فلورانس: "پژواک هایی از تهران" (نمایشگاه چهارنفره)
- 1388- آکویی ترمه: نهمین دوسالانه حکاکی ایتالیا، (کالکوگرافی)
- 1389- نگارخانه هور: نمایشگاه گروهی چاپ دستی (کالکوگرافی)
- 1390- نگارخانه هفت ثمر: طبیعت از نگاه هنرمندان (نقاشی)

انتشارات: 1352-1390

- مجموعه‌ی "سه کتاب" شامل:
 - "به شاعر" کلاژهای عکس و نقاشی، 1383، ناشر: مؤلف.
 - "هزار تو" کلاژهای عکس و نقاشی، 1383، ناشر: مؤلف.
 - "چرخه‌ها" کلاژهای عکس و نقاشی، 1385، ناشر: مؤلف.
- "چهره‌ها و نقاب‌ها" (1346 تا 1352)، تابستان 1388، ناشر: مؤلف.
- "شب‌ها و سایه‌ها"، بهار 1391، ناشر: مؤلف.